مطالعات تاریخ اسلام
سال هفدهم، شمارهٔ ۶۷، زمستان ۱۴۰۴، مقالهٔ علمی- پژوهشی، صفحات ۸۷- ۱۱۰

جایگاه تنجیم در عصر صفوی و بررسی آن از منظر علما و فقها[۱]

ژاله ختمی[۲]
محمد قربان کیانی[۳]
کیوان شافعی[۴]

چکیده: اعتقاد به «تنجیم» قدمتی به درازای تاریخ دارد و تا امروز در عصر تجدد و پساتجدد، به عنوان میراث اجتماعی به حیات خود ادامه داده است. تنجیم در عصر صفوی نقش مهمی در مناسبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایفا کرد؛ بنابراین موضع‌گیری فقها (مجریان اصلی پروژهٔ حکومت مذهبی صفویان) در برابر اعتقاد به تنجیم قابل تأمل است. پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه تنجیم در ساختار اجتماعی و سیاسی عصر صفوی و تحلیل رویکرد فقها نسبت به آن، انجام شده است. یافته‌های این پژوهش که با رویکرد توصیفی- تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای انجام شد، نشان می‌دهد که تنجیم در این عصر فراتر از یک باور حاشیه‌ای، به عنوان متغیری مؤثر در مناسبات حکومتی، اجتماعی و فرهنگی عمل می‌کرد و از عوامل پنهان در انحطاط حکومت صفوی بود. همچنین واکاوی دیدگاه‌های فقهی، آشکار می‌سازد که فقها در مواجهه با تنجیم، برای صیانت از مبانی دینی، موضعی دوگانه شامل مخالفت و موافقت مشروط اتخاذ کردند.

واژه‌های کلیدی: تنجیم، احکام نجوم، صفویه، فقهای شیعه

10.22034.17.67.6

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری ژاله ختمی با عنوان «جایگاه علوم غریبه در عصر صفوی» دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج است.

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.
3732946592@iau.ir https://orcid.org/0009-0005-7439-0456
۳. استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران (نویسندهٔ مسئول). 3801457346@iau.ir
https://orcid.org/0009-0008-3232-8971
۴. استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. Kaivan.shafei@iau.ac.ir
https://orcid.org/0000-0002-7770-8985

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷ تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

Copyright: © 2020 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

A Quarterly Journal of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 17, No 67, Winter 2026
Research Center for Islamic History, http://journal.pte.ac.ir
Scientific-Research, pp. 87-110

The position of astrology in the Safavid era and its examination from the perspective of scholars and jurists[1]

Zhale Khatmi[2]
Mohammad Ghorban Kiany[3]
Kaivan Shafei[4]

Abstract: Belief in astrology has a long history and has continued to exist as a social legacy in the modern and post-modern eras. Astrology played an important role in social, political, and cultural relations in the Safavid era; therefore, the stance of jurists (the main implementers of the Safavid religious government project) towards belief in it is worth considering. The present study aims to explain the position of astrology in the social and political structure of the Safavid era and analyze the approach of jurists towards it. The research method is descriptive-analytical and relies on library sources. The findings show that astrology in this era, beyond a marginal belief, acted as an effective variable in governmental, social, and cultural relations and was one of the hidden factors in the decline of the Safavid government. Also, Analysis of jurisprudential views also shows that in the face of astrology, they have adopted a dual position, including opposition and conditional agreement, in order to preserve religious foundations.

Keywords: Astrology, astronomical rules, Safavids, Shiite jurists.

10.22034.17.67.6

1. This article is derived from the doctoral dissertation of Zhaleh Khatami entitled "The Status of Occult Sciences in the Safavid Era", submitted to the Sanandaj Branch of Islamic Azad University.
2. PhD Candidate in Post-Islamic Iranian History, Department of History, Sa.C, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. 3732946592@iau.ir https://orcid.org/0009-0005-7439-0456
3. Assistant Professor, Department of History, Sa.C, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran (Corresponding Author). 3801457346@iau.ir https://orcid.org/0009-0008-3232-8971
4. Assistant Professor, Department of History, Sa.C, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. Kaivan.shafei@iau.ac.ir https://orcid.org/0000-0002-7770-8985
Receive Date: 2025/10/19 Accept Date: 2025/12/31
Copyright: © 2020 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

مقدمه

رصد ستارگان و حرکات نامنظم برخی از این اجرام سماوی و تقارن حرکات این اجرام با برخی از رخدادهای زمینی همچون جنگ‌ها و شورش‌ها، شیوع قحطی و بیماری، شکل‌گیری مذاهب، خوشی‌ها و ناخوشی‌ها این فکر را به وجود آورد که ستارگان بر سرنوشت انسان‌ها حاکم می‌باشند. ایرانیان از دیرباز با این علم آشنایی داشته‌اند و در لابه‌لای سنگ‌نبشته‌ها، کتاب‌ها و رسالات باقیمانده از دوران باستان، توجه به ستارگان و تأثیر حرکات آنها پیداست (پورداوود، ۱۳۷۷: ۳۵۶). در روزگار پس از ظهور اسلام، با وجود مخالفت اولیه اسلام با تنجیم و غیب‌گویی، این علم به حیات خود ادامه داد. از قرن سوم و چهارم به بعد نیز ایرانیان با حکومت‌هایی برآمده از ترک‌های آسیای مرکزی روبه‌رو بوده‌اند که اعتقادی راسخ به طالع‌بینی، تأثیرات اجرام آسمانی و تعیین سعد و نحس روزها داشتند. از این رو، قدرت‌گیری و حکومت ترکان به‌ویژه مغولان در ترویج احکام نجوم در ایران سهم بسزایی داشته است؛ به‌طوری که علم تنجیم مورد اقبال عمومی جامعه و فرمانروایان بود و بدون مشورت با منجمان، نه جنگی اعلان می‌شد، نه بنایی برپا می‌گردید و نه تبادلات پولی انجام می‌گرفت (گلسرخی، ۱۳۷۷: ۵۶۵).

اعتقاد به تنجیم به مثابه میراث اجتماعی به عصر صفوی راه یافت و به یکی از ابعاد مهم تاریخ و سلطنت صفویان تبدیل شد. باور به تأثیر اوضاع فلکی و اعتنا به سعد و نحس ایام، حضور گسترده‌ای در سطوح مختلف جامعهٔ صفوی داشت و تنجیم به عنوان یکی از سازوکارهای معرفتی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رفتارهای اجتماعی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. تحلیل جایگاه تنجیم در عصر صفوی، امکان فهم دقیق‌تری از مناسبات معرفتی و اجتماعی این دوره را فراهم می‌سازد و حتی ریشه‌های فکری انحطاط یک حکومت را واکاوی می‌کند. بر همین اساس، این پژوهش از لحاظ جامعه‌شناختی اهمیت دارد و از سوی دیگر، ضرورت دارد تا مواجههٔ فقها (با توجه به جایگاه محوری نهاد دین در دولت صفوی) با این پدیده بررسی شود؛ زیرا تحلیل آرای فقهای شیعه در جامعه صفوی، پرده از چالش‌های درونی اندیشه شیعی در برابر واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی برمی‌دارد. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که تنجیم چه جایگاهی در ساختار قدرت و جامعه صفوی داشت و موضع فقها نسبت به آن

چه بود؟ واکاوی جایگاه تنجیم در عصر صفوی و مواجههٔ نهاد دین با آن، نشان می‌دهد که اعتقاد به تنجیم در عصر صفوی فراتر از یک باور حاشیه‌ای، یکی از ارکان مؤثر در تصمیم‌گیری، مشروعیت‌بخشی و امیدبخشی در جامعه به شمار می‌رفت. در منابع تاریخی، گزارش‌هایی مبنی بر رجوع طبقات بالای اجتماعی به منجمان برای انجام امور لشکری و کشوری دیده می‌شود. همچنین عامهٔ مردم برای حل مسائل مختلف زندگی خود، به احکام نجومی متوسل می‌شدند. فقها و علما نیز که همواره خواستار رعایت محدوده شرعی در جامعه بودند و دستورالعمل‌ها و قواعد فقهی را در حوزه‌های مختلف برای مردم شرح می‌دادند، توجه به تنجیم و سعد و نحس ایام را مغفول نگذاشتند و در برابر این واقعیت اجتماعی به موضع‌گیری پرداختند و حکم تکلیفی اعتقاد و کاربرد آن را برای مردم شرح و تفسیر می‌کردند.

بدین‌سان این پژوهش با رویکردی تحلیلی کوشیده است تصویری واقع‌بینانه‌تر و عمیق‌تر از ساختار معرفتی و فرهنگی جامعهٔ صفوی ارائه دهد و جایگاه تنجیم را در این منظومه فکری و اجتماعی بازتعریف کند. همچنین با توجه به درهم‌تنیدگی جامعهٔ ایران عصر صفوی با مذهب (رازنهان و مشفقی‌فر، ۱۳۹۴: ۱۰۹)، بررسی مواضع فقهی نه تنها ابعاد فکری جامعه صفوی را روشن می‌سازد، بلکه چگونگی مواجههٔ فقها با واقعیت‌های اجتماعی را در چارچوب یک حکومت دینی نشان می‌دهد.

پیشینهٔ پژوهش

از مهم‌ترین پژوهش‌ها در زمینه تحقیق حاضر می‌توان به «نجوم و خرافه‌گرایی نجومی در عصر صفویه»[۱]، «مطالعه تطبیقی انقلاب نجومی و نجوم در عصر صفوی»[۲] و مقاله «مطالعه تطبیقی جایگاه و کارکردهای علم نجوم و تنجیم در دو قلمرو صفویه و عثمانی»[۳] اشاره کرد. نویسندگان این دست پژوهش‌ها به بررسی فاصلهٔ نجومی ایران عصر صفوی با انقلاب علمی در اروپا

---

۱. طاهره فروتن (۱۳۹۳)، «نجوم و خرافه‌گرایی نجومی در عصر صفویه»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۲. رضا صحت‌منش و زهرا اسفندیاری مهنی (زمستان ۱۳۹۷)، «مطالعه تطبیقی انقلاب نجومی و نجوم در عصر صفوی»، *فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، س۹، ش۳۳.

۳. پروین اصغری (بهار ۱۴۰۲)، «مطالعه تطبیقی جایگاه و کارکردهای علم نجوم و تنجیم در دو قلمرو صفویه و عثمانی»، *نشریه علمی تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی*، ش۵۰.

پرداخته‌اند و کیفیت و سطح علمی دانش نجوم را میان دو دولت مسلمان صفوی و عثمانی مقایسه کرده و میزان تأثیرپذیری آنها از تحولات نجومی در اروپا را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنان به این نتیجه رسیده‌اند که نجوم در دوره صفوی دچار تحول چشمگیری نشده و ادامهٔ سنت نجومی ایرانی و اسلامی قرون گذشته بوده است؛ البته گرایش به احکام نجوم در این دوره رونق بسیاری داشته است. در این پژوهش‌ها به مواردی از گرایش شاهان صفوی به احکام نجوم با عنوان شبه‌نجوم و خرافات اشاره شده است که ارتباط مستقیمی با پژوهش حاضر دارد و از این نظر برای پژوهش حاضر سودمند می‌باشند. همچنین مقاله «دیدگاه علمای عصر صفوی درباره احکام نجومی و سعد و نحس ایام»[۱] از دیگر پژوهش‌های مرتبط با موضوع رسالهٔ حاضر است که نویسنده آن به مرور و معرفی رساله *نوار مُشرقَه خاتون‌آبادی* فقیه عصر صفوی پرداخته و مطالب آن را شرح داده است. رساله خاتون‌آبادی منبع مفیدی برای شناسایی موضع علما در برابر منجمان به شمار می‌آید؛ به همین دلیل در این پژوهش به نسخهٔ اصلی و خطی این رساله رجوع شده است.

با وجود انتشار این آثار دربارهٔ نجوم در عصر صفوی، موضوع پژوهش حاضر مورد توجه این نویسندگان نبوده است. پژوهش حاضر تحلیل همزمان کارکرد اجتماعی و سیاسی تنجیم (به عنوان یک متغیر تأثیرگذار بر جامعه) و واکاوی نظام‌مند مواضع فقها و علمای شیعه در قبال آن است؛ امری که در مطالعات پیشین کمتر بدان پرداخته شده است.

مفهوم‌شناسی: علم نجوم تعلیمی

علم نجوم مشتمل بر دو قسم است؛ یکی علم تعلیمی و دیگری علم دلالت‌های کواکب بر آینده یا علم احکام نجوم. در علم نجوم تعلیمی، از ظواهر اجسام آسمانی، قوانین حرکات ظاهری و حقیقی، اندازه‌ها و فواصل و خواص طبیعی آنها بحث می‌شود (مشکوة، ۱۳۷۲: ۷؛ نلینو، ۱۳۴۹: ۳۱، ۳۲). این علم برای اموری مانند تقویم و گاهشماری به کار می‌رود و به‌طور کلی علم زیجات[۲] و

۱. رسول جعفریان (زمستان ۱۳۸۹)، «دیدگاه علمای عصر صفوی درباره احکام نجومی و سعد و نحس ایام»، *پیام بهارستان*، س ۳، ش ۱۰.

۲. «زیج» جدول‌هایی دارای اعداد مختلف است که هر منجمِ رصدگر پس از آنکه دوره طولانی را به رصد اجرام سماوی و زوایای مربوط به آنها می‌پرداخت، یک کتاب زیج می‌نوشت و نتایج رصدهای خود را در آن عرضه می‌کرد (ریس، ۱۳۹۲: ۳۶). بنابراین زیج کتابی است که منجمان احوال و حرکات افلاک و کواکب را از آن معلوم می‌کردند.

تقاویم، علم مواقیت، علم کیفیت رصدها، علم تسطیح کره و آلات شعاعی که از آن حادث می‌شود و همچنین علم آلات ظلّی از شاخه‌های آن به شمار می‌آیند (نلینو، همان، ۳۳ ؛ عروضی سمرقندی، ۱۳۲۷: ۸۶). به علم نجوم یا ستاره‌شناسی صرف در زبان انگلیسی «آسترونومی» گفته می‌شود و به شخصی که متخصص ستاره‌شناسی و رصد کواکب و آسمان است، «آسترونومر» می‌گویند (مشکوة، ۱۳۷۲: ۱۲).

علم تنجیم (علم احکام نجوم)

«علم احکام نجوم» علم استخراج تأثیر ستارگان و سیارات بر کرهٔ زمین و موجودات آن است که به آن «تنجیم» هم می‌گویند. به شخصی که متخصص علم احکام نجوم باشد، در زبان انگلیسی «آسترولوژر» و علم احکام نجوم را «آسترولوژی» می‌گویند (مشکوة، همان، ۱۲). به متخصص علم احکام نجوم در زبان فارسی «منجم‌باشی» و «فلکی» می‌گویند. موضوع پژوهش حاضر این قسم از نجوم است.

براساس علم تنجیم، هر برج و ستاره دارای خصوصیاتی نیک، بد و سعدی و نحسی است و حکم آنها در عالم جاری است (شیخ بهایی، [بی‌تا]: ۶). این اندیشه با گذر زمان در تمامی زوایای زندگی، روحیات، طرز تفکر و رفتارهای اجتماعی انسان، رشد یافت و مورد توجه قرار گرفت. توجه به احکام نجوم و باور و عقیده به آن، در تمام لایه‌های اجتماعی عصر صفوی مشهود است که در ادامه، به کارکرد آن در میان طبقات مختلف اجتماعی عصر صفوی پرداخته خواهد شد.

کارکرد تنجیم در میان اعیان و اشراف عصر صفوی

تنجیم کاربردهای مختلفی در زندگی داشت و مورد توجه ویژهٔ صاحبان حکومتی بود و به همین دلیل یکی از ابعاد مهم تاریخ سلطنت و حکومت در دوره صفوی به شمار می‌آمد. در دستگاه حکومتی چندین منجم فعالیت می‌کردند. از میان آنها، یکی مورد توجه خاص سلطان قرار می‌گرفت و به عنوان رئیس منجمان لقب «منجم‌باشی» اختیار می‌کرد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۵۷۳). از منجم‌باشی به دلیل رابطهٔ نزدیکی که با شخص شاه داشت، با عنوان «مقرّب الخاقان» یاد می‌شد (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۲۰). اغلب امور لشکری و کشوری و حتی امور شخصی بزرگان و

حکام، با رعایت احتیاط و مشورت با منجم انجام می‌شد (لاهیجی، ۱۳۵۲: ۲۰۶، ۳۵۵؛ فلسفی، ۱۳۴۷: ۴۰۹/۲–۴۱۰)؛ چنان‌که تنجیم در این ایام به عنوان یک مشاور استراتژیک و یک مرجع تصمیم‌گیری عمل می‌کرد و اغلب تصمیمات استراتژیک به جای اتاق فکر، در رصدخانه‌ها و توسط منجمان گرفته می‌شد و احکام نجومی صادره از سوی آنان در حکم نظرات صائب و قطعی لازم‌الاجرا بود.

تاج‌گذاری

تعیین ساعت سعد برای تاج‌گذاری و به دست گرفتن حکومت، از مسائل مهم این دوران بود که با دقت نظر توسط منجم‌باشی و همکارانش با توجه به وضع ستارگان و گردش اجرام گزینش می‌شد (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۶۴۳/۴؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۴۷). در این ایام موفقیت و کامیابی پادشاه صفوی را مرهون زمان سعد تاج‌گذاری وی می‌دانستند. از این رو، تمامی شاهان صفوی از شاه‌اسماعیل سرسلسله این حکومت گرفته تا شاه سلطان حسین، با رأی و نظر منجم‌باشی و پس از اعلام ساعت سعد از سوی او، تاج‌گذاری کردند (امینی، ۱۳۸۳: ۸۱–۸۳؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۱۱۶–۱۱۷؛ *عالم‌آرای شاه‌اسماعیل*، ۱۳۸۸: ۵۹–۶۰؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۱۳؛ منشی قمی، ۱۳۸۳: ۶۲۶/۲؛ روملو، ۱۳۸۴: ۱۵۴۹/۳؛ منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۷۱۳؛ نصیری، ۱۳۷۳: ۱۷). اعتقاد به احکام نجوم در امر تاج‌گذاری، تا آنجا بود که تمامی تشریفات روز تاج‌گذاری، مانند ساعت برش لباس روز تاج‌گذاری، با تعیین ساعت سعد توسط منجمان انجام می‌شد (جملی کارری، ۱۳۴۸: ۹۳).

از وقایع مهم عصر صفوی، کناره‌گیری موقت شاه‌عباس و شاه‌سلیمان از سلطنت به حکم منجم بود. در سال ۱۰۰۱ق. ستاره ذوذنابه[1] در آسمان پدیدار شد. منجمان این رویداد طبیعی و رایج نجومی را برکناری و یا مرگ یکی از سلاطین تفسیر کردند (قزوینی، ۱۳۶۷: ۴۰–۴۱)؛ به همین دلیل برای رفع نحوست، این دو پادشاه به‌طور موقت از سلطنت کناره‌گیری کردند و سپس مجدداً با اعلام ساعت سعد از سوی منجمان، بر مسند حکومت خود نشستند. دست کشیدن شاه از امور حکومتی و سیاسی با حکم منجمان، به نوعی انتقال مرجعیت از تدبیر سیاسی به تقدیر آسمانی بود و

۱. «ذوذنابه» ستارهٔ دنباله‌دار/ستاره گیسودار؛ به قول منجمان فارسی دوازده نوع است. خاصیت بعضی مقاتله و خاصیت برخی افتادن زلازل و خاصیت بعضی قحط و همچنین هر یک بر اثری ناشایست است و نزد منجمان هندی هشتاد نوع است و همه بداثر (امینی، ۱۳۸۳: ۴۷۷). ایرانیان ظهور این ستاره را مایهٔ ظهور انواع آفت‌ها و بلاها می‌شمردند (شاردن، ۱۳۷۲: ۹۹۳/۳).

اوج نفوذ منجمان در ساختار قدرت را نشان می‌دهد. کناره‌گیری شاه از سلطنت برای مدت طولانی چند ماهه، باعث ایجاد یک خلأ حاکمیتی می‌شد و آشفتگی و هرج‌ومرج در امور حکومتی را به دنبال داشت؛ زیرا شاه که به عنوان مهم‌ترین رکن حکومت و در رأس کل مملکت و مقامات اداری و اساس تصمیمات حکومتی بود، وظایف سیاسی خود را عملاً در این مدت انجام نمی‌داد. این موضوع طی فرایند زمان، ضربهٔ سختی بر پیکر حکومت و اداره جامعه در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وارد می‌کرد و سستی ارکان حکومت را به دنبال داشت.

امور نظامی و لشکری

جنگ‌ها و لشکرشی‌های دوره صفوی با توسل به کواکب و بر پایهٔ احکام نجومی صورت می‌گرفت (جنابدی، ۱۳۷۸: ۸۶۹–۸۷۰). منجمان در حوزهٔ فعالیت نظامی هم‌ردیف و گاه پیشتر از امرای جنگی به یاری شاهان می‌شتافتند. مشهور است که در عهد شاه‌عباس، سپاهی از طرف خلیل‌پاشا سردار عثمانی به ایران حمله کردند. سپاه ایران در برابر ۱۵۰هزار سوار ترک بیش از چهل‌هزار سوار نبودند. شاه ابتدا دستور عقب‌نشینی داد، اما بعد از آنکه ملا مظفر گنابادی و پسرش محمد شفیع –منجمان مخصوص شاه– مژدهٔ پیروزی شاه را با توجه به احوال ستارگان دادند، شاه خواست که با اسطرلاب ساعت سعد را مشخص کند و تا معلوم نشدن این ساعت، حتی اگر سپاه روم حمله کند، آنها اقدامی انجام ندهند. منجم ساعت را مشخص کرد و آنها پیروز شدند (جنابدی، همان، ۸۶۹–۸۷۰؛ فلسفی، ۱۳۴۷: ۳۴۷/۲–۳۴۸؛ اسکندربیک منشی، ۱۳۱۴: ۷۳۱/۳). اگرچه آنها پیروزی و شکست خود را مرتبط با اوضاع افلاک می‌دانستند تا تدبیرها و چاره‌اندیشی‌های نظامی (*تاریخ مختصر*، [بی‌تا]: ۲۵۶–۲۵۷)، اما نصرالله فلسفی هوشیارانه علت اصلی پیروزی در جنگ را بیان کرده است. وی دلیل پیروزی را ساعت سعد ندانسته، بلکه آن را نتیجهٔ وطن‌پرستی علی‌بیگ نامی دانسته است که در کودکی اسیر عثمانی‌ها شده بود و پس از اطلاع از نقشهٔ عثمانی‌ها، سپاه ایران را از قصد شبیخون دشمن آگاه کرد و با تدبیر سپهسالار ایرانی، ایران از تسلط بیگانه نجات یافت (فلسفی، ۱۳۴۷: ۱۰۶/۲–۱۰۷).

اعتقاد شدید به احکام نجوم، گاهی ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکر حکومت وارد می‌کرد. درحالی‌که برنامه‌ریزی، پیروی و اطاعت از فرماندهان باتجربه و کاردان و تاکتیک‌های نظامی و ابزارهای سپاهیان، موجب پیروزی و کامیابی می‌گردید، آنان نظر منجم و پیشگویی‌های او را

مقدم می‌دانستند و بدون اختیار ساعت توسط منجم، به سپاهیان رخصت محاربه نمی‌دادند؛ چنان‌که هنگام جلوس شاه‌سلیمان، درحالی‌که قزاق‌ها نواحی ساحلی گیلان را ویران کرده بودند، در این میان ستاره‌شناسان می‌بایست روز و ساعت سعد را برای درگیر شدن با دشمن معین می‌ساختند. هنگامی که جنگاوران سپاه ایران چشم به راه ساعت سعد نشسته بودند، فرصت پیروزی بر دشمن از دست رفت (کمپفر، ۱۳۶۳: ۷۰؛ شاردن، ۱۳۷۲: ۱۰۳۸/۳). در اینجا تنجیم به مثابه یک «مانع تاکتیکی» عمل می‌کند و فرصت‌طلبی نظامی (که جوهرهٔ پیروزی در جنگ است) فدای ساعت سعد می‌شود.

طالع‌بینی و پیشگویی

طالع‌بینی و پیشگویی حوادث آینده، از فروعات تنجیم به شمار می‌آید. پیشگویی براساس مواضع اجرام سماوی، در دنیای قدیم و به‌خصوص در دربارهای ایرانی امری رایج بود. این مهم در دورهٔ صفویه، در درون و بیرون دربار بسیار متداول و رایج بود و سازوکارهای سیاسی عصر صفوی متأثر از آن بود. از پیشگویی‌های مهم دورهٔ صفوی، پیشگویی دربارهٔ به پادشاهی رسیدن شاه‌اسماعیل بنیان‌گذار سلسله صفوی بود (خورشاه‌بن قباد، ۱۳۷۹: ۳؛ *سفرنامه ونیزیان*، ۱۳۸۱: ۲۶۲) که در فضای صوفیانهٔ آن دوران، توسط رهبران طریقت بشارت داده شده بود.

اعتقاد به طالع بینی و پیشگویی آینده توسط منجمان و طالع‌بینان، آن‌چنان زیاد بود که گاهی تولد شاهزادگان را برای درامان ماندن آنها، مخفی نگاه می‌داشتند (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۶۰۸/۴). باور به پیشگویی منجمان حتی اعمال و رفتار مقتدرترین شاه صفوی (شاه‌عباس اول) را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌داد. «ملا جلال محمد یزدی» معروف به «منجم‌باشی»، ملا مظفر و پسرش محمد شفیع، ملا محمدتقی جنابدی و ملا محمد طاهر یزدی از منجمان معروف دربار او بودند که شاه همواره پیشگویی‌های آنان را باور داشت. این عقیده و ایمان به پیشگویی منجمان، تا آنجا بود که چون ملا مظفر از روی طالع شاه پیشگویی کرده بود که خطری شاه را تهدید می‌کند، شاه حکم به قتل پسرش صفی‌میرزا داد تا دفع خطر از تاج و تخت خود کند (جنابدی، ۱۳۷۸: ۸۵۱–۸۵۲) و شاه این اقدام ناروا و نامتعارف خود را به بهانهٔ دریافت الهامات غیبی توجیه کرد. این قتل و موارد مشابه، پیامدهای مصیبت‌باری برای صفویه و ایران به همراه داشت و یکی از دلایل افول سیاسی ایرانِ پساعباسی دانسته می‌شود (لاکهارت، ۱۳۸۳: ۲۱).

از دیگر مصادیق کارکرد تنجیم در میان نخبگان سیاسی عصر صفوی، تعیین اوقات سعد توسط منجمان در روابط دیپلماتیک و پذیرش سفرا و هیئت‌های خارجی بود. در راستای گسترش روابط ایران با اروپا، در عهد صفوی سفیرانی به دربار ایران اعزام شدند. پذیرش سفیر و ملاقات با شاه، بدون اذن منجم و تعیین ساعت از سوی او ممکن نبود (کمپفر، ۱۳۶۳: ۷۰–۷۳؛ فلسفی، ۱۳۴۷: ۳۳۶/۲). آنان معتقد بودند اگر جز این کنند، بلای سختی نازل می‌شود (کمپفر، همان، ۲۴۶). به تعویق انداختن زمان پذیرش سفرا با این توجیه که زمان سعد و نیکو فرا نرسیده و همچنین منتظر گذاشتن سفرا، به‌تدریج در روند کارها و ارتباطات خلل ایجاد می‌کرد و موجب تأثیرگذاری در روند روابط نیز می‌شد؛ زیرا بسیاری از سفرا آن را بهانه‌ای از سوی شاه و عدم تمایل وی به مذاکره تلقی می‌کردند (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۵۱–۱۵۲).

مکاتبه و نامه‌نگاری نیز از دیگر اموری بود که با در نظر گرفتن حکم نجوم و تعیین وقت از سوی منجم انجام می‌شد. این اوقات شامل زمان سعد برای نوشتن نامه، تحویل آن به نامه‌رسان و در نهایت، تحویل گرفتن نامه بود. با وجود آنکه ممکن بود نامه‌ای حاوی مطالب مهم و حیاتی باشد و نیاز به اقدام فوری داشته باشد، با حکم منجم مبنی بر رسیدن اوقات سعد، اقدام مناسب برای آن انجام نمی‌گرفت (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۰۷–۱۰۸).

توجه به ساعت سعد و نحس، به هنگام ورود و خروج به شهرها نیز همواره مورد توجه بزرگان عصر صفوی بود (جملی کارری، ۱۳۴۸: ۱۱۵) و به عبارتی مسافرت‌ها نیز در این ایام طبق تقویم و نظر منجمان بود. منجمان در سفر و حضر همواره حضور داشتند (غفاری کاشانی، ۱۴۰۴: ۳۶۵) و به تعیین زمان مناسب سفرها می‌پرداختند. آنان علاوه بر تعیین زمان سفر، وظیفهٔ تعیین مسیر و مقدار مسافت طی‌شده را نیز برعهده داشتند (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۱۲).

گاهی کارگزاران حکومتی در انجام سفرهایی که نیازمند به سرعت عمل بود، با تمسک به اوضاع فلکی، تعلل می‌ورزیدند که خسارات جبران‌ناپذیری به دنبال داشت. به هنگام هجوم قزاق‌ها در دوره پادشاهی شاه‌سلیمان، با وجود استغاثهٔ مردمانی که گرفتار شکنجه و نهب و تاراج قزاقان شده بودند، نیرویی برای نجات آنها فرستاده نشد؛ زیرا مسئولان امور با خونسردی و آرامش خیال به آنها جواب می‌دادند که اکنون قمر در عقرب است، شکیبا باشید تا نحوست از میان برود (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۰۳۷/۳–۱۰۳۸؛ پارسادوست، ۱۳۸۸: ۴۹۱/۱). این تعلل باعث پیروزی قزاق‌ها گردید و بنا به نوشتهٔ کمپفر، ده‌هاهزار ایرانی قربانی دیوانگی ستاره‌شناسان شدند (کمپفر،

۱۳۶۳: ۷۱).

گفتنی است ساخت ابنیه و معماری نیز با نظر منجمان انجام می‌گرفت؛ به‌طوری که هنگام ساخت ابنیه، منجمان حضور پیدا می‌کردند و پس از مشورت با هم، احکام نجومی را صادر و ساعت سعد را اعلام می‌کردند (*تاریخ مختصر*، [بی‌تا]: ۲۲۳). تعیین ساعت سعد برای ساخت بنا، چنان مهم بود که منجم مسافت‌های طولانی را می‌پیمود تا شخصاً در مکان ساخت بنا حضور پیدا کند (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۲۸۵). از نظر آنان، بنا در صورتی مستحکم باقی می‌ماند و کارکردی مثبت داشت که ساخت آن در اوضاع مناسب فلکی و با دستورالعمل دقیق منجم بوده باشد و اگر طرح اولیهٔ بنا در زمان مشخص‌شده توسط منجم ریخته نمی‌شد، نگرش و دید مثبتی به آن نداشتند و اگر بنایی کارکرد منفی داشت، آن را از قصور منجم می‌دانستند.

برگزاری جشن‌ها و دادن خلعت و هدیه (شاردن۱۳۷۲: ۱۱۷۳/۳)، ازدواج، بیماری و درمان و غیره از دیگر اموری بود که مستلزم حکم آسمان بود و مصادیق بسیاری از توسل نخبگان سیاسی و اعیان و اشراف این عصر به منجمان برای این‌گونه موارد در منابع تاریخی موجود است (دلاواله، ۱۳۷۰: ۲۷۴؛ *عالم‌آرای شاه‌اسماعیل*، ۱۳۸۸: ۸۱؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۳۳).

از واکاوی مصادیق رجوع به احکام نجومی، استنتاج می‌شود که طبقات بالای اجتماعی و در رأس آنها شاه صفوی از تنجیم به عنوان ابزاری برای حفظ قدرت و کنترل بر مردم و تأثیرگذاری بر حوداث و رویدادها و حتی مشروعیت‌بخشی به حکومت و اعمال خود بهره‌برداری می‌کردند. این امر علاوه بر میراث فرهنگی و تقلید از سنن پیشینیان و استمرار عقاید آنان، ناشی از خاستگاه صوفیانه و تمایلات عرفانی و باطن‌گرایی صوفیان نیز بود؛ زیرا تنجیم بخشی از نگاه باطنی به جهان محسوب می‌شد. عوارض ناشی از تهاجمات بیگانگان و بی‌ثباتی و ناامنی داخلی در کنار ضعف نظامی صفویان، عدم کفایت علوم رسمی در رفع مشکلات روزمره، افول علوم طبیعی و تجربی، سطح پایین دانش و آگاهی و عدم درک درست روابط علّی و معلولی بین پدیده‌ها، از عوامل مهم دیگری بود که جامعهٔ صفوی را بیش از پیش به سوی منجمان و احکام نجومی سوق می‌داد.

عامه مردم و تنجیم

اعتقاد به تنجیم و رجوع به منجم، مختص حکام و نخبگان سیاسی نبود، بلکه این امر به تمامی

طبقات اجتماعی سرایت کرده بود و هیچ طبقه‌ای از اجتماع مصون از آن نبود؛ از مردان فهمیده و ادبا گرفته تا پایین‌ترین اقشار جامعه به اظهار نظر دربارهٔ نجوم می‌پرداختند (سیوری، ۱۳۷۸: ۲۲۳).

عموم مردم عصر صفوی اعتقاد داشتند هر نیک و بدی که برای آنان اتفاق می‌افتد، از سوی آسمان است و اجرام آسمانی را حاکم بر سرنوشت خود می‌دانستند. آنان به سعد و نحس اوقات اعتقاد تمام داشتند و بر همین اساس، به مانند کودکان محتاج به دایه، نیازمند منجمانی بودند تا ساعات سعد و نحس را بر آنان مکشوف دارند، معانی و مفهوم افلاک را رمزگشایی کنند و به وضع و تبیین احکام نجومی بپردازند (اولئاریوس، ۱۳۶۳: ۳۱۱، ۳۲۷؛ سانسون، ۱۳۴۶: ۵۱–۵۲)؛ به‌طوری که برای انجام امور روزانهٔ خود، زمان عقد و ازدواج و حتی رفتن حمام و سفر، به منجمان رجوع می‌کردند (فروتن، ۱۳۹۳: ۵۸).

درعصر صفوی تعداد کثیری تقویم (علم النجم) در میان مردم به فروش می‌رسید که این تقویم‌ها توسط منجمان تدوین می‌گردید و نوروز هر سال، آن را بین افراد توزیع می‌کردند. تقویم شامل دو قسمت اصلی بود که در یک قسمت احکام و اجتماعات و پیشگویی‌های نجومی دیده می‌شد و قسمت دیگر به حرکات کواکب و سیارات و محاسبات فلکی اختصاص یافته بود (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۰۱۰/۳). تقویم‌ها پر از مواردی چون پیش‌بینی جنگ و ناخوشی و قحطی و تعیین ساعات برای ازدواج، رخت نو پوشیدن، فصد و حجامت کردن، مسهل خوردن و مسافرت کردن، وفور محصولات کشاورزی، باروری گوسفندان و چهارپایان و بسیاری امور دیگر بودند (تاورنیه، [بی‌تا]: ۶۱۵). از این رو، عامهٔ مردم برنامهٔ زندگی خود را اعم از کلی یا جزئی، با مندرجات تقویم تنظیم می‌کردند (شاردن، همان، ۳/ ۱۰۰۳) و با توجه به اینکه مورد استفادهٔ تمامی طبقات اجتماعی بود، در آن از طالع‌بینی طبقات مختلف نظیر دانشمندان، روحانیون، وزیران و درباریان، دبیران، دهقانان، درویشان، صنعتگران، زنان و تودهٔ مردم صحبت می‌شد؛ مبنی بر اینکه آیا آنان سالی موفق را در پیش دارند یا شومی و بدبختی همراه آنان است (همان، ۱۸۱۰/۵).

در اینجا تنجیم به نوعی «مکانیزم دفاعی» در برابر ناامنی‌ها (قحطی، جنگ، بیماری) تبدیل شده بود و تقویم‌های نجومی نقش راهنمای روزمره را برای مردم ایفا می‌کردند تا از اضطراب آینده آنان بکاهند.

علم تنجیم از دیدگاه فقها و علمای عصر صفوی

از نظر مذهبی دوره صفوی متفاوت از دوره پیشین بود و تشیع بزرگ‌ترین دستاویز و توجیه‌گر اعمال حاکمیت صفوی به شمار می‌آمد (سالاری شادی و دلیر، ۱۴۰۳: ۸۳). فقها و علما از مهم‌ترین نهادهای حکومت شیعه‌مذهب صفوی بودند که دیدگاه فقهی و موضع‌گیری‌های آنها در امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حائز اهمیت بسیار است. توجه ویژه به تنجیم و باور به تأثیر اوضاع فلکی و اعتنا به سعد و نحس ایام، از دغدغه‌های مردم در عصر صفوی بود که مورد توجه علما و فقهای این دوره قرار گرفته بود. آنان در مواجهه با این امر و به منظور صیانت از مبانی توحیدی، در مقابل این پدیدهٔ فراگیر اجتماعی به موضع‌گیری پرداختند و به این ترتیب پیرامون این مبحث، جریان فکری خاصی شکل گرفت.

علمای مخالف تنجیم

در برخی رسائل نجومی عصر صفوی، به نام تعدادی از علمای عصر صفوی در ردیف علمای مخالف تنجیم اشاره شده است. رسالهٔ *انوار مُشرقه* خاتون‌آبادی از مهم‌ترین رسالات نجومی عصر صفوی است که مؤلف در آن آرا و عقاید بسیاری از فقهای عصر صفوی دربارهٔ نجوم را آورده و نام برخی از علمای مخالف تنجیم در این دوره را ذکر کرده است. خاتون‌آبادی خود در زمرهٔ مخالفان احکام نجومی قرار دارد. وی احکام نجومی صادره از سوی منجمان عصر خود و تنجیم رایج را غیرقابل اعتماد و رجوع به تقویم‌ها و مراعات احکام آنها را غیرضروری می‌دانست؛ زیرا به عقیدهٔ او، دانش منجمان ناقص است و اساس آن در اختیار پیامبران و امامان قرار دارد (خاتون‌آبادی، [بی‌تا]: ۱۱). وی بی‌اعتنایی به تقویم‌های نجومی را توصیه می‌کرد و در عوض توکل به خدا و رجوع به آنچه که در احادیث و روایات دربارهٔ نیک و بد ایام آمده است را اولی و احوط می‌دانست(خاتون‌آبادی، همان، ۱۳۳).

محقق کرکی از علمای مخالف تنجیم در عصر صفوی است که اعتقاد به تأثیر نجوم و اضاع فلکی در عالم سفلی را کفر و تعلم این امر را حرام می‌دانست؛ البته تنجیمی که با این اعتقاد همراه نباشد و در شریعت آمده باشد را جایز می‌شمرد (محقق کرکی، ۱۴۱۱: ۳۲/۴). ملا خلیل قزوینی نیز از منکران جدی تقویم‌های نجومی بوده و گفتار منجمان در ساعت سعد و نحس را به دلیل عدم استناد به قول معصومان، رد کرده و از باب مطایبه نوشته است: «کاش قمر در برج

عقرب و اسد هر دو با هم جمع می‌شد و هر لباس تازه که می‌داشتم در آن ساعت می‌پوشیدم چون منجمان این هر دو را بد می‌دانند... من اغلب اوقات لباس جدید را در ساعت عقرب می‌پوشم و هرگز به این سبب آفتی به من نرسیده است» (خاتون‌آبادی، همان، ۱۲۰).

«نعمت الله جزایری» از دیگر علمایی است که سعد و نحس ایام براساس احکام منجمان را رد کرده است. وی بنا به رویدادهای دینی، برخی روزها را نحس و برخی را سعد می‌دانست. برای مثال، روز عاشورا نحس‌ترین روز و روز تولد پیامبران سعد است و برای رفع نحسی ایامی چون محرم، صدقه دادن و خواندن دعاها و آیات را سفارش کرده است (جزایری، ۱۴۲۹: ۷۸۴). حر عاملی نیز منجم و کاهن و ساحر را همانند هم می‌دانست و معتقد بود نباید به حرف آنها عمل شود (حر عاملی، ۱۳۷۶: ۲۵۳/۳). وی با آوردن احادیث و روایاتی، آموختن قوانین ستارگان و احوال آنها را جایز ندانسته و یادگیری تنجیم و عمل به احکام نجوم را حرام و فرد معتقد به احکام نجوم را کافر شمرده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۴۱/۱۷).

آن‌طور که پیداست این افراد درواقع به دنبال جلوگیری از جایگزینی ارادهٔ ستارگان به جای اراده الهی بودند و برای صیانت از مبانی دینی، اعتبار پیشگویی‌های منجمان و تقویم نجومی را نفی می‌کردند؛ تا جایی که ملا خلیل قزوینی با پوشیدن لباس نو در ساعت نحس، دست به یک نوع عصیان نمادین علیه سیطره منجمان زده و با این کار به تحدی با منجمان برخاسته بود تا پوچ بودن احکام نجوم را ثابت کند.

علمای موافق (مشروط)

برخی علما می‌کوشیدند میان دانش نجوم و آموزه‌های دینی نوعی سازگاری ایجاد کنند. بر همین اساس، توجه به تنجیم و سعد و نحس ایام را جایز شمردند و حتی تعدادی از آنان عمل به احکام ستارگان را توصیه و تجویز کرده‌اند. شیخ بهایی از جمله علمای موافق تنجیم بود. او معتقد بود اگر منجمان گمان کنند که اجرام به استقلال یا با شراکت غیر، علتِ مؤثر حوادث می‌باشند، اعتقادشان حلال نیست و علم نجومی که بنای آن بر این اعتقاد باشد، کفر است، اما اگر تأثیر اجرام را مستقل ندانند و آن را ناشی از تدبیر، حکمت و قدرت خداوند متعال بدانند، مانعی از آن نیست و حرجی در اعتقاد به آن نیست (خاتون آبادی، [بی‌تا]: ۱۲۲؛ مجلسی، ۱۳۵۱: ۲۴۴/۲).

فیض کاشانی نجوم را در زمرهٔ دانش‌های نکوهیده آورده و معتقد بوده است که برای دین و دنیای انسان سودی ندارد، بلکه در آن زیان‌هایی است که بر سودش غلبه دارد. او تعلم آن را ضایع کردن عمر و مذموم شمرده است (فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۸۸/۱). او در دلیل نکوهش آن، ضمن آوردن احادیث و روایاتی، چنین نوشته است: «حکام نجوم خبر دادن از اموری است که در آینده واقع خواهد شد و چنین می‌نماید که منجم به امور غیبی آگاه است و بیشتر مردم عامی و زنان و کودکان نمی‌توانند میان اخبار منجمان و علم غیب و اخبار آن تمیز دهند. بنابراین فرا گرفتن این احکام و رأی دادن بر طبق آنها مایهٔ گمراهی مردم و سست شدن اعتقاد آنها درباره معجزات است زیرا برخی از این احکام خبر دادن از کائنات و مقدّرات است؛ همچنین موجب سستی اعتقاد مردم نسبت به عظمت پروردگار است» (فیض کاشانی، همان، ۱۶۴/۱–۱۷۰).

اگرچه فیض نجوم را در زمره دانش‌های نکوهیده آورده، اما تمام نجوم را خلاف شرع ندانسته است. از نظر او، اعتقاد به اینکه ستارگان اسباب آثاری هستند که خداوند متعال در زمین و نباتات و حیوانات به وجود می‌آورد، ضرری به دین نمی‌رساند (فیض کاشانی، همان، ۲۵۸/۷). او نیز مانند شیخ بهایی بر این عقیده بود که باور به استقلال اجرام و وابستگی به احکام نجومی موجود در تقویم‌های منجمانْ مضر، غیرمجاز و غیرضروری است (فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

سید الحکماءالمتألهین میرداماد از دیگر عالمان موافق نجوم است و در دلیل صحت نجوم، معتقد بود که حساب‌های منجمان مبتنی بر قواعد هندسی و ظاهر است و مسائل هندسه به حس و بدیهی منتهی می‌شود و احتمال خطا در آنها نیست؛ به همین دلیل او بسیار رعایت ساعات نجومی را می‌کرد (خاتون آبادی، [بی‌تا]: ۱۲۳). او معتقد بود نظر در نجوم به احکام خمسه منقسم می‌شود؛ واجب و حرام و مندوب و مکروه و مباح است (میرداماد، [بی‌تا]: ۶۹).

محقق سبزواری نیز ساعات نجومی را مراعات می‌کرد؛ تا جایی که در ساعت عقرب، حتی برای امور مهم استخاره نمی‌کرد (خاتون‌آبادی، همان، ۱۲۵–۱۲۶)؛ او دربارهٔ آداب تدبیر منجمان آورده است: «پس بر ملک لازم است که او را منجمان باشد که جهت مهمات امور او اختیار ساعات می‌کرده باشند و از وقایع آینده به حسب وسع و فهم خود اخبار می‌نموده باشند و ضبط تواریخ و حساب شب و روز و اخبار از کسوف و خسوف و امثال آن که از علم ریاضیه مستفاد می‌شود بر ذمت منجمان پادشاه است و بر پادشاه لازم است که ایشان را تربیت می‌کرده باشد و

بر تعلیم و تعلم علومی که در این امور مدخل دارد تحریص می‌نموده باشد و مؤونات حوایج و امر معاش ایشان را بر وجه وسیع متکفل باشد و دقایق اکرام و عنایت و عطوفت نسبت به ایشان مرعی دارد» (محقق سبزواری، ۱۳۸۱: ۶۴۵).

علامه مجلسی اعتقاد به تنجیم را از چند منظر بررسی کرده است: او اعتقاد به استقلال تأثیر کواکب و علت تامه و فاعل مختار بودن اختران را کفر دانسته و احتراز از آن را لازم شمرده است. همچنین پیشگویی از امور نهانی و طالع‌گیری را حرام و مورد نهی اسلام می‌دانست و اعتبار ساعات نیک و بد تقویم برای کردن و نکردن کاری را مکروه می‌شمرد. از نظر او، آموختن علم نجوم بر این دو وجه کراهت دارد، اما علم هیئت (علم نجوم تعلیمی) و بررسی هیئات افلاک و حرکاتشان در صورتی که برخلاف آیات و اخبار نباشد، جایز است (مجلسی، ۱۳۵۱: ۲۲۹/۲-۲۶۰). به عقیدهٔ مجلسی، اعتقاد به تأثیر کواکب بر مبنای حکمت و قدرت خداوند متعال، اگرچه کفر نیست و حرمتش ثابت نیست، اما مخصوص پیامبران و اولیای الهی است و تنها بنا بر احادیثی که سعد و نحس ایام را مشخص کرده‌اند، باید عمل کرد. بنابراین مجلسی در مقابل تقویم منجمان، رساله *اختیارات الایام* را نوشته که تقویمی شرعی بر مبنای احادیث است (مجلسی، [بی‌تا]: ۲، ۱۶۹). مجلسی می‌کوشید اندیشهٔ شیعی را نه تنها در میان نخبگان اجتماعی و مذهبی، بلکه در تمامی طبقات جامعه تثبیت کند (داوری و دیگران، ۱۴۰۴: ۹۰). او با درک نفوذ تنجیم در میان مردم، راهبرد جایگزینی را برگزید و با تدوین *رساله اختیارات*، سعی کرد مرجعیت تعیین سعد و نحس را از منجم‌باشی به روایات دینی منتقل کند.

تحلیل دیدگاه علمای موافق تنجیم نشان می‌دهد که موافقت با تنجیم از سوی علمای عصر صفوی مشروط به ضوابطی بود و در صورتی که با مضامین اسلامی در منافات نبود، آن را تأیید می‌کردند. استدلال آنان بر این مبنا بود که کواکب، نه فاعل مختار، بلکه آلات حق در تدبیر عالم‌اند. آنان نیز علت تامه بودن و استقلال عمل اختران در وقوع حوادث و پیشگویی جزمی و یقینی از طریق آن را جایز نمی‌دانستند؛ زیرا خبر یقینی با ضروریات دین و نفی تأثیرات دعا و صدقات و مستحبات منافات داشت.

جدول شمارهٔ ۱: تحلیل دیدگاه علمای عصر صفوی درباره تنجیم

نتیجه	مبانی و استدلال	موضع فقها	نمایندگان	جریان فکری
طرد مرجعیت منجمان و تأکید بر توکل، دعا و روایات	نفی جایگزینی اراده ستارگان به جای اراده الهی، عدم استناد به وحی و روایات	نفی احکام نجومی و تقویم منجمان	محقق کرکی، ملا خلیل قزوینی، نعمت‌الله جزایری، حر عاملی	مخالفان تنجیم
مدیریت و هدایت تنجیم در چارچوب شریعت و جایگزینی مرجعیت روایی به جای تقویم نجومی (مانند *اختیارات الایام* مجلسی)	کواکب به مثابه اسباب غیرمستقل تحت تدبیر الهی	پذیرش مشروط تنجیم	شیخ بهایی، میرداماد، فیض کاشانی، محقق سبزواری، علامه مجلسی	موافقان مشروط تنجیم

نتیجه‌گیری

اعتقاد به تنجیم صرفاً یک باور عامیانه یا دانش حاشیه‌ای نبود، بلکه در زمینه ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوره و متأثر از آن، کارکردهایی چندگانه یافت و به عنوان یک نهاد معرفتی–مشورتی در بطن ساختار قدرت و لایه‌های اجتماعی عمل می‌کرد؛ به‌طوری که تمام طبقات اجتماعی از حکام و درباریان گرفته تا عامه مردم، در برابر مسائل و امور زندگی خویش به احکام نجومی متوسل می‌شدند. سیطره تنجیم در عصر صفوی، محصول تلاقی میراث فرهنگی کهن، بی‌ثباتی‌های سیاسی و افول علوم تجربی بود. تنجیم برای اشراف در این دوره ابزاری برای تصمیم‌گیری، مشروعیت‌بخشی و اعمال قدرت محسوب می‌شد و برای عامهٔ مردم ابزاری دفاعی در برابر مسائل زندگی بود و به مثابه یک پارادایم ذهنی، نوعی امنیت روانی کاذب ایجاد می‌کرد. این پژوهش تأکید می‌کند که یکی از عوامل انحطاط دولت صفوی مربوط به ساحت اندیشه و تکیه بر علوم غریبه همچون تنجیم بود؛ زیرا اتکا به تنجیم اگرچه در کوتاه‌مدت ابزاری برای مشروعیت‌بخشی و ایجاد اطمینان قلبی بود، اما در میان‌مدت با سلب اراده و عقلانیت، به یکی از مؤلفه‌های پنهان در انحطاط سیاسی و شکست‌های نظامی (به‌ویژه در اواخر صفوی) تبدیل گردید.

در این میان، فقهای شیعه به تلاش برای تحدید و کنترل تنجیم و حفظ مرجعیت دینی در برابر مرجعیت منجمان پرداختند. آنان در مواجهه با این پدیدهٔ فراگیر اجتماعی، موضعی دوگانه اختیار کردند. برخی فقها اعتقاد به تنجیم را با توحید افعالی در تضاد می‌دانستند و حکم به حرمت آن دادند و برخی دیگر در تلاش برای شرعی‌سازی این واقعیت اجتماعی، با آن موافقت کردند؛ تا میان باورهای ریشه‌دار جامعه و چارچوب‌های فقهی، توازنی مصلحت‌آمیز برقرار شود. البته نکته اینجاست که حتی موافقان تنجیم آن را مشروط به عدم استقلال ستارگان می‌دانستند تا مبانی توحیدی آسیب نبینند. موضع‌گیری فقهای این عصر در مواجهه با احکام نجومی، نشان می‌دهد که نخبگان دینی در تلاش بودند تا از یک سو، با اموری که با دین منافات داشت، مبارزه کنند و از سوی دیگر، پیوند خود را با جامعه که تنجیم از مؤلفه‌های آن بود، حفظ کنند.

منابع و مآخذ

- اسکندربیک منشی (۱۳۱۴)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، ج۳، تهران: دار الطباعهٔ آقا سید مرتضی.
- اصغری، پروین (بهار ۱۴۰۲)، «مطالعه تطبیقی جایگاه و کارکردهای علم نجوم و تنجیم در دو قلمرو صفویه و عثمانی»، *تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی*، دوره ۱۴، ش ۵۰، صص۷۹–۱۰۲.
- امینی، ابراهیم‌بن میر جلال‌الدین (۱۳۸۳)، *فتوحات شاهی (تاریخ صفوی از آغاز تا سال ۹۲۰ هـ‌ق)*، مصحح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اولئاریوس، آدام (۱۳۶۳)، *سفرنامه آدام اولئاریوس*، ترجمهٔ احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۸۸)، شاه‌عباس اول؛ پادشاهی با درس‌هایی که باید فرا گرفت، ج۱، تهران: انتشار.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۷۷)، *یشت‌ها*، تهران: انتشارات اساطیر.
- *تاریخ مختصر* [بی‌تا]، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای ملی، شماره ۹۵۴۴.
- تاورنیه، ژان باتیست [بی‌تا]، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمهٔ ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- جزایری، نعمت‌الله‌بن عبدالله (۱۴۲۹ق)، *الانوار النعمانیه*، بیروت: دار القاری.
- جعفریان، رسول (زمستان ۱۳۸۹)، «دیدگاه علمای عصر صفوی درباره احکام نجومی و سعد و نحس ایام»، *پیام بهارستان*، س۳، ش ۱۰، صص۳۱–۵۰.
- جملی کارری، جووانی فرانچسکو (۱۳۴۸)، *سفرنامه کارری*، ترجمهٔ عباس نخجوانی، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.

- جنابدی، میرزا بیگ‌بن حسن (۱۳۷۸)، *روضة الصفویة*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشیعه*، ج۱۷، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث.
- ..... (۱۳۷۶)، *الفصول المهمه فی أصول الأئمه (تکملة الوسائل)*، ج۳، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع).
- خاتون‌آبادی، محمد صالح حسینی [بی‌تا]، *انوار مشرقه*، نسخه‌خطی، کتابخانه مجلس شورای ملی، شماره ۶۶۶۳۷.
- خورشاه‌بن قباد (۱۳۷۹)، *تاریخ ایلچی نظام‌شاه*، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- داوری، مصطفی و زینب امیدیان و یعقوب تابش (۱۴۰۴)، «مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری علامه مجلسی در کتاب جلاءالعیون»، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال هفدهم، ش۶۶، صص۸۳-۱۰۹. DOI: 10.22034.17.66.5
- دلاواله، پیترو (۱۳۷۰)، *سفرنامه پیترو دلاواله: قسمت مربوط به ایران*، ترجمهٔ شعاع‌الدین شفا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رازنهان، محمدحسن و ابراهیم مشفقی‌فر (۱۳۹۴)، «ارزیابی نقش مؤلفه‌های دینی در توان نظامی حکومت صفوی»، *مطالعات تاریخ اسلام*، دوره هفتم، ش۲۷، صص۱۰۷-۱۳۸.
http://journal.pte.ac.ir/article-1-83-fa.html
- روملو، حسن‌بیک (۱۳۸۴)، *أحسن التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوائی، ج۳، تهران: اساطیر.
- ریس، مارتین (۱۳۹۲)، *تاریخچه علم نجوم*، ترجمهٔ محمدحسین پورعباس و سید امیر سادات‌موسوی، تهران: سبزان.
- سالاری شادی، علی و نیره دلیر (۱۴۰۳)، «تحلیل مناسبات سیاسی علمای شیعه با حکومت (از صفویه تا اوایل قاجاریه)»، *مطالعات تاریخ اسلام*، س۱۶، ش۶۲، صص۷۹-۱۰۵. DOI: 10.221.16.62.1
- سانسون (۱۳۴۶)، *سفرنامه سانسون*، ترجمهٔ تقی تفضلی، تهران: ابن‌سینا.
- *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران* (۱۳۸۱)، ترجمهٔ منوچهر امیری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- سیوری، راجر مروین (۱۳۷۸)، *ایران عصر صفوی*، ترجمهٔ کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲)، *سفرنامه شاردن*، ترجمهٔ اقبال یغمایی، ج۳، ۴، تهران: توس.
- شیخ بهایی، بهاءالدین محمدبن حسین [بی‌تا]، *نقش سلیمانی در علوم غریبه خاصه احضار ارواح- سحر- طلسمات*، به ضمیمه تعویذات نقش‌بندی، نسخه خطی، کتابخانه ملی، شماره ۱۸۶۹۴.
- صحت‌منش، رضا و زهرا اسفندیاری مهنی (زمستان ۱۳۹۷)، «مطالعه تطبیقی انقلاب نجومی و نجوم در عصر صفوی»، *فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، س۹، ش۳۳، صص۳۳-۶۲.
http://tarikh.maaref.ac.ir/article-1-712-fa.html
- *عالم‌آرای شاه‌اسماعیل* (۱۳۸۸)، با مقدمه و تصحیح و تعلیق اصغر منتظر صاحب، تهران: انتشارات فرهنگی.

- عروضی سمرقندی، احمدبن عمربن علی نظامی (۱۳۲۷)، *چهار مقاله*، تصحیح محمد قزوینی، به کوشش محمد معین، تهران: انتشارات ارمغان.
- غفاری کاشانی، احمدبن محمد (۱۴۰۴ق)، *تاریخ نگارستان*، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی، تهران: کتابفروشی حافظ.
- فروتن، طاهره (۱۳۹۳)، «نجوم و خرافه‌گرایی نجومی در عصر صفویه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۴۷)، *زندگانی شاه‌عباس اول*، ج۲، تهران: دانشگاه تهران.
- فیض‌کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (۱۳۷۲)، *راه روشن*، ج۱، ۷، ترجمهٔ محمد صادق عارف، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ..... (۱۳۸۷)، *نوگویه‌ها (متن و ترجمه الکلمات الطریفة)*، تصحیح عبدالله موحدی، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری رحمة الله (کنگره فیض کاشانی).
- قزوینی، ابوالحسن‌بن ابراهیم (۱۳۶۷)، *فواید الصفویه*، تصحیح مریم میراحمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، *سفرنامهٔ کمپفر به ایران*، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- گلسرخی، ایرج (۱۳۷۷)، *تاریخ جادوگری*، تهران: نشر علمی.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۸۳)، *انقراض سلسلهٔ صفویه*، ترجمهٔ اسماعیل دولتشاهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لاهیجی، علی‌بن شمس‌الدین (۱۳۵۲)، *تاریخ خانی*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مجلسی، محمدباقر [بی‌تا]، *اختیارات*، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیه.
- ..... (۱۳۵۱)، *آسمان و جهان*، ترجمهٔ محمدباقر کمره‌ای، ج۲، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- محقق سبزواری، ملا محمدباقر (۱۳۸۱)، *روضة الانوار عباسی (مبانی اندیشه سیاسی و آیین مملکت‌داری)*، *به کوشش نجف لک‌زایی* قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- محقق کرکی، علی‌بن حسین (۱۴۱۱ق)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، ج۴، قم: مؤسسه آل البیت(ع) لاحیاء التراث.
- مشکوة، فرزاد (۱۳۷۲)، *آسترلوژی یا نجوم احکامی؛ حقیقت یا خرافات*، [بی‌جا]: نشر مؤلف.
- منجم یزدی، ملا جلال‌الدین محمد (۱۳۶۶)، *تاریخ عباسی یا روزنامهٔ ملا جلال*، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، انتشارات وحید.
- منشی قزوینی، بوداق (۱۳۷۸)، *جواهر الاخبار*، تصحیح محسن بهرام‌نژاد، تهران: میراث مکتوب.
- منشی قمی، احمدبن حسین (۱۳۸۳)، *خلاصة التواریخ*، مصحح احسان اشراقی، ج۲، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- میرداماد، محمدباقر [بی‌تا]، *خودآموز در علوم و فنون غریبه*، [بی‌جا]: [بی‌نا].

- میرزا رفیعا، محمدرفیع‌بن حسین (۱۳۸۵)، *دستور الملوک*، ترجمهٔ علی کردآبادی، به کوشش محمداسماعیل مارچینکوفسکی، تهران: وزارت امور خارجه، اداره نشر.
- میرزا سمیعا، محمدسمیع (۱۳۷۸)، *تذکرة الملوک، به کوشش محمد دبیر سیاقی*، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- نصیری، محمدابراهیم‌بن زین‌العابدین (۱۳۷۳)، *دستور شهریاران*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- نلینو، کرلوا الفونسو (۱۳۴۹)، *تاریخ نجوم اسلامی*، ترجمهٔ احمد آرام، تهران: کانون نشر و پژوهش‌های اسلامی.

References (Transliterated)

- Al-HURR, al-Amili, Mohammad bin Hassan (1988), detailing the Shiite means to resolve Shiite issues, Vol. 17, Qom: Ahl al-Bayt Foundation, peace be upon them, for reviving heritage. **[In Persian]**
- Al-HURR,al-Amili, Mohammad bin Hassan (1997), Important Chapters on the Principles of the Imams (Takmilat al-Wasa'il)و Vol. 3, Qom: Institute of Islamic Studies of Imam Reza. **[In Persian]**
- Alamara-ye shah esmaeil (2009), edited by Asghar Montazer, Tehran: Cultural Publications. **[In Persian]**
- Amini, Ibrahim bin Mir Jalal al-Din (2004),*The Fotuhat-e shahi* (also *Fotuhat-e Amini,* (Safavid History from the Beginning to 920 AH), Tehran: Association of Cultural Works and Merits. **[In Persian]**
- Aruzi samrghandi, Ahmad ibn umar ibn Ali (1948), Chahar magale, edited by Mohammad Qazvini, with the help of Mohammad Moein, 1st edition, Tehran: Armaghan Publications. **[In Persian]**
- Asghari Parvin (Spring 2023), "A Comparative Study of the Position and Functions of Astronomy and Astrology in the Safavid and Ottoman Realms", *Scientific Journal The History Of Islamic Culture and Civilization*, Vol. 14, No. 50. **[In Persian]**
- Brief History, manuscript, National Assembly Library, No. 9544. **[In Persian]**
- Chardin, Jean (1993), Chardon's travel book, translated by Iqbal Yaghmai, volu3,4, Tehran: TOS. **[In Persian]**
- Caterino Zeno and others (2002), Travelogues of Venetians in Iran, Tehran: Kharazmi Publications. **[In Persian]**
- davari M, Z omidiyan ,Y tabesh(2025). "Historiographic Components of Allamah Majlisi in Jala' al-AyounThe Historiographical Components of ʿAllāmah Majlisī's Jalāʾ al-ʿUyūn", Muṭaleʿat-i Tarikh-i Eslam, 17(66): 83-109. DOI: 10.22034.17.66.5 **[In Persian]**
- Dellavalleh, Pietro (1991), Pietro Dellavale's travelogue (the part related to Iran), translation and notes by Shuauddin Shafa, Tehran: Elmi va farhangi Publishing Company. **[In Persian]**
- Esfandiyari Mahni, Zahra (2018), "The Position of Astronomers in the Safavid dynasty." Journal of Iranian Studies, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Year 17, No34. **[In Persian]**
- Eskandar Monshi (1935), Tarikh-e Alam-ara-ye Abbasi, Vol.3, collection, Tehran: Dar Al-

Taba'a Agha Seyyed Morteza. **[In Persian]**
- Falsafi, Nasrollah (1968), Life of Shah Abbas I, Volume2, Tehran: University of Tehran. **[In Persian]**
- Fayz Kashani, Mohammad bin Shah Morteza (1993), The Bright Path, Volume1and7, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. **[In Persian]**
- Fayz Kashani, Mohammad bin Shah Morteza (2008), Noguyeh (text and translation of funny words), edited by Abdullah Movahedi, Tehran: Shahid Motahari High School (Fayz Kashani Congress). **[In Persian]**
- Foroutan, Tahereh (2015), Astronomy and Astrophysics Superstition in the Safavid periode, Master's thesis supervised by Seyed Ahmad Aghili, History Department, University of Sistan and Baluchestan. **[In Persian]**
- Gemelli Careri, Giovanni Francesco (1969), Careri's Travelogue, Tabriz: General Directorate of Culture and Art of East Azerbaijan. **[In Persian]**
- Ghaffari Kashani, Ahmad ibn Muhammad (1984), Tarikh Negarestan, edited by Morteza Modarres Gilani, Tehran: Hafez Bookstore. **[In Persian]**
- Golsorkhi, Iraj (1998), History of Witchcraft, Tehran: Scientific Publication. **[In Persian]**
- Ikhwan al-Safa (1996), Mujam al-Hikmah (an ancient translation of Ikhwan al-Safa), edited by Mohammad Taghi Daneshpajouh, edited by Iraj Afshar, Tehran: Institute for Humanities andCultural Studies. **[In Persian]**
- Jamli Carreri, Giovanni Francesco (1969). Career travel guide, Tabriz: General Department of Culture and Art of East Azerbaijan. **[In Persian]**
- Jazayeri, Nimatullah ibn Abdullah (2008), Anwaro al-Numaniyah, Lebanon, Beirut: Dar al-Qari. **[In Persian]**
- Jonabadi, Mirza Beg bin Hassan (1999), Rawzat al-Safaviyya, edited by Gholamreza Tabatabaei Majd, Tehran, Literary and Historical Publications Collection, Endowments of Dr. Mahmoud Afshar Yazdi. **[In Persian]**
- Kaempfer, Engelbert (1984), Kaempfer's Travelogue to Iran, translated by Kikaus Jahandari, Tehran: Kharazmi. **[In Persian]**
- Khatunabadi, Mohammad Saleh Hosseini, Anwar Moshreqeh, manuscript, National Assembly Library, No. 66637. **[In Persian]**
- Khurshah ibn Qobad (2000), Tarikh-e-ilchi nizam shah, edited by Mohammad Reza Nasiri, Tehran: Association of Cultural Works and Honors. **[In Persian]**
- Lahiji, Ali ibn Shams al-Din (1973), History of Khani, edited by Manouchehr Sotoudeh, Tehran: Iranian Culture Foundation. **[In Persian]**
- Lockhart, Laurence (2004), The Extinction of the Safavid Dynasty and the Days of Afghan Dominance in Iran, translated by Mostafa Gholi Emad, Tehran: Morvarid Publishing House. **[In Persian]**
- Majlesi, Mohammad Baghr ibn Mohammad Taghi, Ekhtiyarat, Tehran, Islamieh Bookstore Publications. Islamieh Offset Printing. **[In Persian]**
- Majlesi, Mohammad Bagher bin Mohammad Taghi, Heaven and World, translated by Mohammad Bagher Kamrei, Volume 2, Tehran: Islamic Bookstore. **[In Persian]**
- Mirdamad, Mohammad Baqer [unpublished], Self-taught in foreign sciences and techniques,

[unpublished]: [unpublished]. **[In Persian]**
- Mohaqeq Sabzevari, Mullah Mohammad Baqir (2002), Anwar Abbasi Shrine (Fundamentals of Political Thought and Statecraft), Qom: Islamic Propaganda Office. **[In Persian]**
- Meshkoweh, Farzad (1993), Astrology or Jurisprudential Astrology: Truth or Superstition, [unpublished]: Publisher and Author. **[In Persian]**
- Mirza Rafi'a, Muhammad Rafi' bin Hussein (2006), Dastur al-Muluk, translated by Ali kordabadi, with the help of Muhammad Ismail Marchinowski, [out of place]: Ministry of Foreign Affairs, Publishing Department. **[In Persian]**
- Mirza Sami'a, Mohammad Sami' (1999), Tazkirah al-Muluk, the administrative organization of the Safavid government or the comments of the master, [out of place]. **[In Persian]**
- Mohagheq Karki, Ali bin Hussain (1990), Jami al-Maqasid fi Sharh Al-Qasas, Volume 4, Qom: Al-Al-Bayt (AS) Institute of Lahia al-Tarath. **[In Persian]**
- Monshi Qazvini, Budaq (1999), Javaher al-Akhbar, edited by Mohsen Bahramnejad, Tehran: Miras Maktoob. **[In Persian]**
- *Nallino, Carol alfonso(1970), Arabian astronomy, its history during the medieval times*, translated by Ahmad Aram,Tehran: Islamic Research Publication Center. **[In Persian]**
- Nasiri, Mohammad Ibrahim bin Zain al-Abidin (1994), Dasture- Shahryaran (1105 to 1110 AH, the reign of Shah Sultan Hussein Safavi), Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Endowment Foundation. **[In Persian]**
- Olearius, Adam (1984), Travelogue of Adam Elarios, Tehran: Ebtekar Publishing and Cultural Organization. **[In Persian]**
- Qazvini, Abul-Hasan ibn Ibrahim, (1988), Benefits of the Safavids. Translated by Maryam Mirahmadi, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. **[In Persian]**
- Qomi's monshi, Ahmed bin Hossein (2004), *Khulasat-ut-Tawarikh*, Volume 1, Tehran: University of Tehran Publishing and Printing Institute. **[In Persian]**
- ParsaDoost, Manouchehr (2009), Shah Abbas I (A King with Lessons to Learn), Volume. 1, Tehran: Publication. **[In Persian]**
- PourDavoud, Ebrahim (1998), Yashtha, Tehran: Asatir Publications. **[In Persian]**
- Raznehan, Moḥammad-Ḥasan, and Ebrahim Moshfeqifar (2015). "Arzyabi-yi naqsh-i muʾallafeh-ha-yi dīnī dar tavan-i nezami-yi ḥukumat-i Ṣafavi." Muṭaleʿat-i Tārīkh-i Eslam7(27), 107-138. URL: http://journal.pte.ac.ir/article-1-83-fa.html **[In Persian]**
- Rumloo, Hassan (2005), Ahsan al-tavarikh , Vol.3, Tehran: asatir, Tehran. **[In Persian]**
- Sanson (1967), Sanson's Travelogue: The State of the Imperial State of Iran during the Time of Shah Suleiman the Safavid, edited by Taghi Tafazzoli, Tehran: Ibn Sina. **[In Persian]**
- Salari Shadi, ʿAli, and Nireh Dalir (2024). "Analysis of the Relationships of Shia Scholars with the Government; From the Safavids to the Early Qajar Dynasty." Muṭaleʿat-i Tarikh-i Eslam 16(62): 79–105. DOI: 10.221.16.62.1 **[In Persian]**
- Savory, Roger Mervyn (1999), Iran under the Safavids, translated by Kambiz Azizi, Markaz Publishing, Mad Book. **[In Persian]**
- Sehatmanesh, Reza, Esfandiyari Mahni, Zahra (2019), "A Comparative Study of Astronomical Revolution and Astronomy in the Safavid Era." Quarterly Journal of the History of Islamic Culture and Civilization, Vol 9, Winter 2019, NO 33. **[In Persian]**

- Sheikh Bahai, Nagshe Soleimani, with the addition of Naqshbandi Ta'vizat, manuscript, National Library, No. 18694. **[In Persian]**
- Tavernier, Jean-Baptiste, Tavernier's travel book, translated by Abu Tarab Nouri, edited by Hamid Shirani, Isfahan: Sanai Library. **[In Persian]**
- Yazdi monajem, Mulla Jalal al-Din Muhammad (1987), Abbasid History or Mulla Jalal's Diary, edited by Seifullah Vahidnia, Vahid Publications, published this morning. **[In Persian]**